اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

طبقاتی کردن دین قابل قبول نیست

قومی در هند وجود دارند که دالیت نامیده میشوند و حدود دویست میلیون نفر از جمعیت هند را تشکیل میدهند. مردم هند به این قوم دالیت میگویند. دالیت در زبان آنها معنای نجس و یا لمس ناپذیر میدهد. به این قوم ظلم های بسیاری از طرف جامعه میشود؛ بطوری که در چایخانه های هند در لیوان های یک بار مصرف برای دالیت ها و در لیوان های شیشه ای برای دیگران چای می ریزند. نظام دو لیوانی یکی از شکل های سنت لمس ناپذیری است که با وجود منع قانونی، همچنان اجرا می شود. دالیتها به‌کلی اجازهٔ زندگی در روستا را ندارند و باید خارج از مرزهای مشخص‌شده روستا سکونت داشته باشند. اجازه ندارند به معابد وارد شوند. اجازه ندارند به منابع آب شرب دیگر طبقات نزدیک شوند. اجازه ندارند در کنار هندوها غذا بخورند یا از ظروف یکسانی استفاده کنند! از

این دست محدودیت‌ها و تحقیرها، هزاران مورد دیگر نیز وجود دارد که در جاهای مختلف متفاوت‌اند. دالیتها مردمی بسیار مظلومند و از هر چیزی تقریبا محرومند. البته جدیدا بعضی محدودیتها برداشته شده است. کارهای بسیار مشکل و کثیف ، مثل پاک کردن لوله های فاضلاب و ... معمولا به دالیت ها داده میشود در مقابل دستمزد بسیار ناچیز. اگر دالیتها از این قوانین سرباز زنند، تا سرحد مرگ کتک میخورند و یا کشته میشوند و یا تبعید میشوند!

نظام طبقاتی هندوستان مردم را به برهمن، کاهن، جنگجو، کشاورز و کارگر تقسیم می کند، اما دالیت ها در این طبقه بندی جای نمی گیرند و از آن خارج هستند. به همین خاطر به آنها نجس و یا لمس ناپذیر گفته میشود. از نظر هندوها ، دالیتها در این پنج طبقه جای ندارند و بنابراین ازدواج آنها با طبقات تعیین شده هندویی ممنوع است و حتی نشست و برخواست با آنها ممنوع است. حتی وضعیتشان از برده ها هم بدتر است.

پس از استقلال هندوستان در سال ۱۹۴۷ تبعیض طبقاتی هندوستان غیرقانونی اعلام شد، اما ۲۰۰ میلیون دالیت در این سرزمین که یک ششم جمعیت میلیاردی هندوستان را تشکیل داده اظهار می دارند که رویکرد مردم نسبت به آن ها همانند گذشته بوده است. شاید باور نکنید که دالیت ها از مظلومترین مردمان جهان هستند و تحت تبعیضی قرار گرفته اند که یک مذهب بزرگ مثل هندو بر آنها تحمیل کرده است. حتی بسیاری از آنان باور کرده اند که سرنوشتشان باید

اینجوری باشد. چونکه این تبعیض در مذهب هندو یکی از اصول است، بنابراین سالهاست که حتی خود دالیتها باور کرده اند که سرنوشتشان باید اینجوری باشد!

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ﴿١١﴾

برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می کنند در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود (١١)

نکته جالب ماجرا این است که این تقسیم بندی طبقاتی یکی از اصول مذهب هندوست و به همین خاطر نمیتوان عملا آن را ملغا کرد. اگر تقسیم بندی طبقاتی یکی از اصول مذهب شود، دیگر بسیار مشکل است آن را برچید. وقتی اسم دین به میان آید دیگر رنج و ناامیدی و دلشکستگی دالیتها برای هندوها اهمیتی ندارد. پیروی کورکورانه از والدین و فرهنگ گذشته جایی برای تفکر در دین نمی گذارد. اگر کسی هم اعتراض کند، به مخالفت با مذهب هندو محکوم میشود! این همان رسم معروف تاریخ است . حتی فرعون هم موسی را به مخالفت با دین محکوم کرد.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾

و فرعون گفت مرا بگذارید موسی را بکشم تا پروردگارش را بخواند من می ترسم آیین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد کند (۲۶)

وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿۲۷﴾

و موسی گفت من از هر متکبری که به روز حساب عقیده ندارد به پروردگار خود و پروردگار شما پناه برده ام (۲۷)

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ ﴿۲۳﴾

و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافته ایم و ما از پی ایشان راهسپریم (۲۳)

خدای مهربان مدام در قرآن میفرماید که روی آیات قرآن تفکر کنید. یعنی حتی خدا نمی خواهد مردم آیات قرآن را چشم و گوش بسته قبول کنند. به همین خاطر خدا قرآن را ساده و قابل فهم نازل فرموده است. خدا قرآن را کتابی عمومی نازل کرده است برای تمام مردم؛ نه فقط برای طبقه خاصی.

هندوها خود را آریایی میدانند و دالیتها از نژاد آریایی نیستند. در حالیکه از نظر خدا نژادها همگی یکی هستند. شرایط آب و هوایی و نور خورشید باعث تغییر رنگ پوست و یا شکل ظاهری شده است. بررسی دی ان آی هیتلر ثابت کرد که او از نژاد آفریقایی یهودی بود! آن همه مردم را کشت بخاطر غیر آریایی بودن و یهودی بودن. در نهایت ثابت شد که خودش اصالتا آفریقایی یهودی است!

دنیای عجیبی است، تعصبات نابجا و نابخردانه که زندگی میلیونها نفر را به نابودی میکشاند.

ژن خوب و ژن بد، آقازاده و غیرآقازاده ، خودی و غیرخودی و ... از تقسیم بندیهای ناشایستی است که در یک جامعه واقعا اسلامی هیچوقت نباید بوجود آید. اما ایدئولوژیهای مذهبی من در آوری ناخودآگاه جامعه را به چنین طبقاتی تقسیم میکند. گاهی بعضی طریقتها و مذاهب اسلامی خود را طبقه خاصی میان مردم بحساب می آورند و حتی وقتی زکات می پردازند، به طبقه خویش و هم ایدئولوژیهای خویش می پردازند. دلبسته بودن به طبقه خاصی تا این حد!! قطعا چنین زکاتی از نظر خدا قابل قبول نیست.

حتی بعضی مکاتب اسلامی در جلسات خصوصی خویش، اصرار دارند که به غیر معتقد به مکتب خود، زن ندهند و یا زن نگیرند. مثل یهودیها که برای غیر یهودی، درصد ربا را چند برابر می گیرند. در حالیکه خدا حتی ازدواج با اهل کتاب را هم حلال دانسته و خوردن غذای اهل کتاب را هم حلال دانسته است.

من مطمئنم که تقسیم بندی طبقاتی در اصل مذهب هندو وجود نداشته است و خود کاهنان هندو آن را بوجود آورده اند. متاسفانه در میان مسلمانان، هرکدام نسبت به فرقه های دیگر همچنین تفکراتی دارند. سنی ها به تفکرات غیر از محدوده خود، شیعه گری لقب میدهند و شیعه ها به تفکرات خارج از مرز خود، وهابیگری و سنی گری لقب میدهند. خدای مهربان میفرماید که تلقینات دوران

بچگی را باید دور انداخت. خدا از این تبعیضات نابجا نخواهد گذشت؛ زیرا این نوع تبعیضات زندگی بسیاری را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿۳۶﴾

و بیشترشان جز از گمان پیروی نمی کنند [ولی] گمان به هیچ وجه [آدمی را] از حقیقت بی نیاز نمی گرداند آری خدا به آنچه می کنند داناست (۳۶)

قرآن متعلق به طبقه خاصی نیست که آن طبقه خاص آیاتش را در جهت منافع طبقاتی خویش معنا کنند و سایر موارد آن را کتمان کنند.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۷۴﴾

کسانی که آنچه را خداوند از کتاب نازل کرده پنهان می دارند و بدان بهای ناچیزی به دست می آورند آنان جز آتش در شکمهای خویش فرو نبرند و خدا روز قیامت با ایشان سخن نخواهد گفت و پاکشان نخواهد کرد و عذابی دردناك خواهند داشت (۱۷۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿۱۷۵﴾

آنان همان کسانی هستند که گمراهی را به [بهای] هدایت و عذاب را به [ازای] آمرزش خریدند پس به راستی چه اندازه باید بر آتش شکیبا باشند (۱۷۵)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿۱۷۶﴾

چرا که خداوند کتاب [تورات] را به حق نازل کرده است و کسانی که در باره کتاب [خدا] با یکدیگر به اختلاف پرداختند در ستیزه ای دور و درازند (۱۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ﴿۱۵۹﴾

کسانی که نشانه های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده ایم بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده ایم نهفته می دارند آنان را خدا لعنت می کند و لعنت کنندگان لعنتشان می کنند (۱۵۹)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۶۰﴾

مگر کسانی که توبه کردند و [خود را] اصلاح نمودند و [حقیقت را] آشکار کردند پس بر آنان خواهم بخشود و من توبه پذیر مهربانم (۱۶۰)

خدای حکیم شدیدا با طبقاتی کردن آیات قرآن مخالفت نموده است و کسانی را که بعضی آیاتش را طبق مصلحت طبقاتی کتمان میکنند را لعنت کرده است.

فقط یک لحظه فکر کن که اگر یک هندو در یک کشور دیگر به دنیا آمده بود؛ دیگر چنین تعصباتی را نداشت. صفاتی که ابولهب و ابوجهل داشتند و در مقابل حق می ایستادند، و در مقابل حق مجادله میکردند، نمیتواند برای یک مسلمان، خوبی بحساب آید. اگر مجادله در مقابل حق بد است، برای همه بد است. وقتی کلمات طبقاتی مثل حاجی، سید، روحانی، ریش و ... به دین گره بخورد؛ هر اشتباهی از این گروهها سر بزند، به نام دین تمام میشود و باعث بدنامی دین میشود. طبقاتی کردن دین بزرگترین خیانتی است که در طول تاریخ رخ داده است. دویست میلیون نفر در هند بخاطر یک حکم غلط هندوها، برده شده اند و از جامعه طرد شده اند.

در دین خدا طبقاتی کردن دین ممنوع است. بنابراین تقسیم بندی مردم به حاجی و سید و شیخ و ملا و روحانی و ... ممنوع است. حالا دیگر طوری شده است که احکام دینی باید از طریق طبقه روحانیون به مردم برسد و مخالف آن مرتد بحساب می آید. اگر آزادی بیان در یک دین نباشد و احکام آن از طریق طبقه خاصی به مردم برسد، دیگر فاتحه آن جامعه خوانده است و اقوامی مثل دالیتها در آن جامعه بوجود خواهند آمد. ناعدالتی های اجتماعی از همین طبقاتی کردن کتاب خدا نشات می گیرد.

در دین اسلام به باور تمام مذاهب، تقلید در اصول دین جایز نیست. اما عملا کسی در روش خداپرستی و توحید حق ندارد ایرادی بگیرد و به این طریق تقلید در اصول دین هم واجب میشود! اگر هم در توحید و خداپرستی ایرادی گرفته شود، لقب وهابیت و ... به او میزنند و او را طرد میکنند. به این میگویند طبقاتی کردن دین و از همینجا ناعدالتیهای اجتماعی پیش می آید.

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۵۲﴾

و کسانی را که پروردگار خود را بامدادان و شامگاهان می خوانند در حالی که خشنودی او را می خواهند مران از حساب آنان چیزی بر عهده تو نیست و از

حساب تو [نیز] چیزی بر عهده آنان نیست تا ایشان را برانی و از ستمکاران باشی (۵۲)

وجود نظام طبقاتی مذهبی در یک جامعه نشان از مشکل دار بودن دین رایج در آن جامعه دارد.

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ﴿۲۷﴾

پس سران قومش که کافر بودند گفتند ما تو را جز بشری مثل خود نمی بینیم و جز [جماعتی از] فرومایگان ما آن هم نسنجیده نمی بینیم کسی تو را پیروی کرده باشد و شما را بر ما امتیازی نیست بلکه شما را دروغگو می دانیم (۲۷)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿۱۳﴾

ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است (۱۳)

مطمئنا همه ما باید دستورات خدا در قرآن را عمل کنیم، نه اینکه بشنویم ولی عمل نکنیم. که اگر اکثر مردم اینکار را بکنند، خدا برکاتی از آسمان و زمین بر مردم می باراند. خدا حکیم مهربان است.

لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۹۶﴾

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم (۹۶)